



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۹ / ۱۹
عنوان ۱	مواقیت الصلاة			
عنوان ۲	وقت نمازهای مغرب و عشاء			
عنوان ۳	ادامه تقریر مباحث آیت الله العظمی وحید (سَلَّمَهُ اللهُ تَعَالَى)			
عنوان ۴	جمع میان روایات ملاک وقت نماز مغرب			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه به بررسی تعارض میان دو دسته از روایات در تعیین وقت نماز مغرب می پردازد: روایات دال بر «زوال حمرة مشرقیه» و روایات دال بر «استتار قرص».

در ابتدا دیدگاه محقق نائینی رحمته الله علیه مبنی بر عدم جریان «اصالت الجَدّ» در روایات استتار قرص و حمل آنها بر تقیه، مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

آیت الله وحید خراسانی رحمته الله علیه با رد شواهدی همچون «اعراض اصحاب» و «شعار شیعه بودن زوال حمرة مشرقیه»، و با استناد به روایاتی که حاکی از عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، اثبات می کنند که روایات استتار قرص در مقام بیان حکم واقعی صادر شده اند.

در ادامه، ناکارآمدی مرجح «مخالفت عامه» در این مقام تبیین می گردد؛ چراکه این مرجحیت، جنبه کاشفیت از واقع دارد و در جایی که صدور حکم واقعی (استتار قرص) محرز است، کاربرد ندارد.

در نهایت با استقرار تعارض میان روایات، بحث به مبنای «تخیر» یا «تساقط» و لزوم رجوع به اصول عملیه منتهی می شود.

درآمد بحث

بحث پیرامون تعارض میان روایاتی است که حمرة مشرقیه را معیار وقت نماز مغرب می دانند و روایاتی که «استتار قرص» (پنهان شدن قرص خورشید) را منوط تحقق وقت مغرب برمی شمارند. پیش تر بیان شد که مرحوم میرزای نائینی پس از پذیرش حکومت روایات حمرة مشرقیه بر روایات استتار قرص، نکته حائز اهمیت را بیان فرمودند. ایشان معتقد بودند که در روایات مرتبط با استتار قرص، «اصالت الجَدّ» جاری نمی شود و قرائن موجود نشان می دهد که این روایات از

روی تقیه صادر شده اند؛ لذا اساساً نوبت به تعارض میان این دو دسته نمی رسد؛ بدین معنا که این روایات به لحاظ عدم جهت، فاقد حجیت اند.

نقد و بررسی دیدگاه محقق نائینی

اما شیخنا الاستاذ رحمته الله ایرادی بر مبنای میرزا وارد آوردند و فرمودند: صرفاً به این دلیل که اصالت الجِدّ در روایات استتار قرص جاری نیست، نمی توان آنها را از درجه اعتبار ساقط دانست.

مرحوم میرزا مطلبی را نیز به عنوان شاهد بر صدور تقیه ای روایت ذکر کردند و آن «اعراض اصحاب» از این روایات است. اما شیخنا الاستاذ به مسأله اعراض اصحاب پاسخ دادند و فرمودند: مراجعه به نصوص اصحاب از عصر فتوای عصر استدلال متأخرین، نشانگر آن است که اصحاب به روایات استتار قرص عمل می کرده اند؛ از این رو، دیدگاه مرحوم میرزا مردود است.

بررسی مسأله شعار بودن حمرة مشرقیه

شاهد دیگر مرحوم میرزا در تقویت نظر خویش، این است که اساساً «زوال حمرة مشرقیه» شعار شیعه بوده و در مقابل، «استتار قرص» به عنوان شعار اهل سنت و مخالفین شناخته می شده است؛ لذا روایاتی که در باب استتار قرص وارد شده، به ملاحظه این جهت و برای رعایت حال اهل سنت بوده است.

شیخنا الاستاذ این مؤید را نیز نمی پذیرند و می فرمایند: چنین فرمایشی متین نیست؛ زیرا دلیلی نداریم که زوال حمرة مشرقیه شعار شیعه بوده و در مقابل، استتار قرص شعار اهل سنت باشد؛ بلکه بسیاری از شیعیان نیز به استتار قرص عمل می کرده اند و روایات و اقوال فقها بر این امر صحّه می گذارد. بنابراین، عمل اصحاب بر اساس حمرة مشرقیه به حدی نبوده است که به شعار شیعه بدل گردد.

بررسی روایات دال بر شعار بودن حمرة مشرقیه

مرحوم میرزا و کسانی که شعار شیعه بودن حمرة مشرقیه را پذیرفته اند، به دو روایت استناد جسته اند که هر دو ضعیف اند و نمی توان به آنها تکیه کرد:

۱. روایت جارود

«قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا جَارُودُ يُنْصَحُونَ فَلَا يَقْبَلُونَ وَإِذَا سَمِعُوا بِشَيْءٍ نَادَوْا بِهِ أَوْ حُدِّثُوا بِشَيْءٍ أَدَاؤُهُ، قُلْتُ لَهُمْ: مَسُوا بِالْمَغْرِبِ قَلِيلًا، فَتَرَكُوها حَتَّى اسْتَبَكَ النَّجُومُ، فَأَنَا الْآنَ أَصْلِيهَا إِذَا سَقَطَ الْقُرْصُ»؛

مراد از «قُلْتُ لَهُمْ»، همان شیعیان اند که حضرت به ایشان فرموده بود. اما شیخنا الاستاذ این روایت را قابل استناد نمی دانند؛ زیرا در سند آن «اسماعیل بن ابی سمال» وجود دارد و پیش تر گفته ایم که دلیلی بر وثاقت وی نیست. تنها کلامی از نجاشی درباره برادرش «ابراهیم بن ابی سمال» وارد شده که فرموده است: «ثقة هو وأخوه روي عن أبي الحسن موسى عليه السلام».^۲ برخی عبارت: «ثقة» را خبر برای «هو وأخوه» دانسته اند که به معنای وثاقت هر دوی ایشان است؛ ولی حضرت استاد نظر دارند که چنین ظهوری در عبارت دیده نمی شود و «ثقة» به ابراهیم بازمی گردد و جمله «هو وأخوه روي» یک جمله

۱. وسائل الشيعة؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقيت، ب ۱۶، ح ۱۵.

۲. رجال نجاشی؛ ص ۲۱.

مستقل است. بنابراین، عبارت مذکور بر توثیق اسماعیل دلالت ندارد و توثیق دیگری نیز برای وی در دست نیست؛ لذا این روایت، ضعیف به شمار می‌رود.

۲. روایت شباب شیعه

این روایت بیان می‌دارد: گروهی از جوانان بودیم که در «وادی الأخضر» به سمت مکه در حرکت بودیم. در میانه راه، جوانی را دیدیم که به مجرد استتار قرص به نماز ایستاد. از این عمل تعجب کردیم و آن را نامأنوس شمردیم؛ اما هنگامی که نزدیک شدیم، با حضرت صادق علیه السلام برخورد کردیم و دریافتیم ایشان بوده‌اند که در این وقت نماز می‌گزارند^۱. این روایت نیز مستندی است بر اینکه شعار شیعه، عمل به روایات استتار قرص بوده است؛ لذا وقتی دیدند امام علیه السلام در اول استتار قرص نماز مغرب می‌خوانند، تعجب کردند؛ به گونه‌ای که گفتند: «نَدْعُو عَلَيْهِ» (شروع به نفرین او نمودند)، اما زمانی که دریافتند ایشان امام صادق علیه السلام است، پشت سر حضرت به نماز ایستادند. استدلال این است که اگر حضرت ملاک مغرب را استتار قرص دانسته، ناشی از تقیه بوده است.

تحقیق در سند روایات و دیدگاه آیت الله وحید رحمته الله

سند این روایت بدین شرح است: «الصدوق عن أبيه و محمد بن الحسن و احمد بن محمد بن يحيى جميعاً عن سعد بن عبد الله و محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن موسى بن يسار العطار عن المسعودي عن عبد الله بن الزبير عن أبان بن تغلب عن الربيع بن سليمان و أبان بن أرقم و غيرهم».

در این سند، سه تن حضور دارند که توثیق نشده‌اند؛ ولی شیخنا الاستاذ به دو تن از ایشان اشاره می‌کنند و می‌فرمایند که این دو، موجب ضعف سند شده‌اند:

۱. موسی بن یسار عطار؛

۲. عبد الله بن زبیر.

البته درباره «مسعودی» نیز کلام است و او هم توثیق چندانی ندارد. اما به هر حال، چون روایت از نظر سندی ضعیف است، نمی‌توان به وسیله آن بر اثبات شعار بودن زوال حمرة مشرقیه در اقامه نماز مغرب استدلال کرد.

ایشان می‌فرمایند: بنابراین، دلیلی نداریم که روایات استتار قرص از روی تقیه صادر شده باشند و اصالت الجِدِّ در آنها جاری نباشد؛ بلکه تقیه‌ای نیستند و اصالت الجِدِّ در آنها جاری است و برای بیان حکم واقعی صادر شده‌اند.

جریان اصالت الجِدِّ در روایات استتار قرص

قرائنی وجود دارد که تأیید می‌کند روایات دال بر استتار قرص، بدون لحاظ تقیه و صرفاً برای بیان حکم واقعی صادر شده‌اند و اصالت الجِدِّ در آنها جریان دارد:

روایت اسماعیل بن فضل الهاشمی:

«الشيخ يأسناده عن الحسن بن محمد بن سماعة عن الميثمي عن أبان عن اسماعيل بن الفضل الهاشمي»؛

این روایت از نظر سند تام است.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي الْمَغْرِبَ حِينَ تَغِيبُ الشَّمْسُ حَيْثُ يَغِيبُ حَاجِبُهَا»؛

دلالت این روایت صراحت در آن دارد که حضرت رسول ﷺ نماز مغرب را به مجرد استتار قرص می خواندند و نمی توان آن را حمل بر تقیه کرد؛ چراکه عمل رسول الله ﷺ را نقل می کند. اگر قرار باشد امام علی (ع) تقیه کند، تقیه زمانی متصور است که عملی وفق مذهب عامه انجام دهد یا حکمی را مطابق با نظر ایشان صادر نماید؛ اما اگر خبر یا عملی را از رسول خدا ﷺ نقل می کند، قابل حمل بر تقیه نیست؛ زیرا - اگر واقعیت نداشته باشد - به نسبت دادن کذب به رسول اکرم ﷺ می انجامد. بنابراین، این روایت خود قرینه ای قوی است بر اینکه روایات مربوط به استتار قرص، در مقام بیان حکم واقعی بوده اند، نه حکم تقیه ای.

بازگشت تعارض و بررسی مرجح مخالفت عامه

نتیجه مباحت پیشین، استحکام تعارض میان دو دسته از روایات است: دسته ای که حلول وقت نماز مغرب را به استتار قرص می داند و دیگری که آغاز وقت صلات مغرب را زوال حمرة مشرقیه معرفی می کند.

در این مرحله، پس از تحقق تعارض، ممکن است گفته شود می توان روایات مناطیت زوال حمرة مشرقیه را بر روایات ملاکیت استتار قرص ترجیح داد و مرجح ما «مخالفت عامه» است؛ زیرا روایات زوال حمرة مشرقیه، مخالف عامه است.

نقد مبنایی بر اعمال مرجح مخالفت عامه در مانحن فیه

اما شیخنا الاستاذ می فرمایند عمل به این مرجح ممکن نیست؛ زیرا اگر در روایات تعادل و ترجیح، «مخالفت عامه» به عنوان یکی از مرجحات ذکر شده، این مرجحات تبعدی نیستند تا موجب ترجیح محض روایتی بر روایت متعارض گردد؛ بلکه مرجحیت مخالفت عامه به این لحاظ است که از حکم واقعی کشف می کند. توضیح آنکه روایات بسیاری در دست است که نشان می دهد در زمان بنی امیه و حتی پیش از ایشان، دستور می دادند سنتی را که علی بن ابی طالب (ع) نقل می کند، شناسایی کرده و برخلافش حدیث جعل کنند؛ این امر به عنوان یک رویه جریان داشته و بنی امیه آن را دنبال کرده و اشاعه می دادند.

مبنای خلفا - حتی خلفای پیش از امیرالمؤمنین (ع) - نیز این بوده است که اسلامی را به مردم عرضه کنند که معترفش آن حضرت نباشد؛ ترویج مرجعیت عایشه و ابوهریره در روایات نیز بدین انگیزه انجام می شد که مرجعیت حضرت امیر (ع) و اهل بیت (ع) در نقل روایات رسول خدا ﷺ از میان برود. بنابراین - طبق روایات ما و کمابیش در روایات عامه - به روات خود دستور دادند تا در مقابل هر روایتی که علی بن ابی طالب (ع) نقل می کند، روایتی جعل کنند تا ناقض کلام حضرت در نقل سنت رسول خدا ﷺ باشد. لذا «مخالفت عامه» جزء مرجحات قرار گرفته تا کاشف از حکم واقعی باشد، نه اینکه تبعداً مرجح باشد.

نتیجه گیری در عدم جریان مرجح مخالفت عامه

حال اگر چنین باشد، ما بحث و روشن کردیم که روایات ملاکیت استتار قرص، در مقام بیان حکم واقعی اند نه در مقام تقیه. بنابراین، مخالفت روایات حمرة مشرقیه با عامه نمی تواند کاشف از حکم واقعی باشد؛ چراکه روایات ملاکیت

استتار قرص، دلالت بر واقعی بودن حکم موجود در خود می کنند، نه اینکه حکمی جعلی و برخلاف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله باشند تا مخالفت با آنها کاشف از حکم خدا باشد.

لذا مرجحیت مخالفت عامه در اینجا جاری نمی گردد؛ زیرا اگر این عنوان مرجح قرار گرفته، ناظر به دو روایت متعارض است که اگر یکی مخالف عامه بود، کاشف از مطابقت آن با حکم واقعی باشد؛ درحالی که در اینجا مخالفت عامه با حکم واقعی مطابقت ایجاد نمی کند؛ چون حکم دیگر (استتار قرص) را بررسی کردیم و روشن شد که حکم واقعی بوده است، نه روایتی جعلی که بر خلاف علی بن ابی طالب علیه السلام جعل شده باشد. در نتیجه، مرجح مخالفت عامه در اینجا جاری نمی شود.

جمع بندی و ثمره فقهی بحث

با عدم جریان مرجح مخالفت عامه، تعارض میان روایات حمرة مشرقیه و استتار قرص، مستحکم باقی می ماند و هیچ مرجحی برای ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد. در این صورت، طبق مبنای شیخنا الاستاذ، در اینجا باید حکم به «تخیر» کنیم؛ زیرا مبنای ایشان در تعارض مستحکم، تخیر است نه تساقط - به خلاف ما که به تساقط نظر داریم - بنابراین هم می توان با استتار قرص نماز خواند و روزه را افطار کرد و هم می توان صبر نمود و با حمرة مشرقیه عمل کرد. البته می فرمایند احوط استحبابی، تأخیر تا زوال حمرة مشرقیه است.

اما اگر بین متعارضین قائل به «تساقط» شویم، باید به اصول عملیه مراجعه کنیم و ببینیم اصل عملی جاری در مقام چیست؟ برخی قائل به استصحاب شده اند و برخی اصالة الاشتغال را برگزیده اند. در جلسه آینده بررسی می کنیم که کدام اصل، قابلیت جریان دارد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد